

عبد صالح خدا



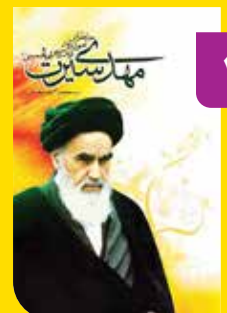
■ مؤسسه صهبیا
■ مرکز اسناد انقلاب
اسلامی

قهرمان اسفار اربعه

امام خمینی
در میانه انقلاب اسلامی
و حکمت متعالی



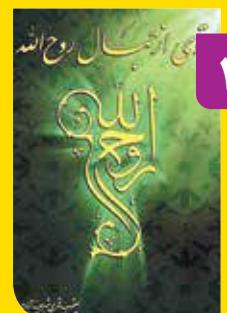
مهدی سیرت



■ نویسنده:
سید محمد کاظم سجادی
■ ناشر: جمال
■ سال انتشار: ۱۳۸۴

کتاب مهدی سیرت شامل گلچینی از لطافت‌های زندگی امام خمینی قدس سره است. زندگی شخصیت الهی قرن ما؛ یعنی حضرت امام خمینی رحمه الله الگوی همیشگی و جاویدان برای همه انسان‌ها در اخلاق، فضیلت، جهاد، شجاعت و عدالت بوده است.

پرتوی از جمال روح الله



■ نویسنده:
یعقوب قمری شریف‌آبادی
■ ناشر: پژهان
■ سال انتشار: ۱۳۸۷

مطالبی که در کتاب پرتوی از جمال روح الله به سه زبان: فارسی، عربی و انگلیسی عرضه شده، شامل چهل عبارت از باب تمین و تبرک برگرفته از سخنان استاد یعقوب قمری شریف‌آبادی درباره منزلت روحانی و مقام معنوی امام خمینی (س) است که بیانی نغز و اشاراتی لطیف و باله‌ام از آیات الهی و روایات اسلامی درصدد پرده‌گشایی از زوایای پنهان جلال رحمانی و جمال رحیمی حضرت امام (س) است. سرآغاز این عرض نیاز و ارادتی عاشقانه به ساحت ملکوتی امام تحت عنوان «گلبنگ مهتاب» است.

از نوع سلوک فکری و عقلی است، نظام و ترتیبی داد شبیه آنچه عرفا در سلوک قلبی و روحی بیان کرده‌اند. عرفا معتقدند که سالک با به کار بستن روش عارفانه چهار سفر انجام می‌دهد:

سیر من الخلق الی الحق. در این مرحله سالک تلاش می‌کند از طبیعت عبور کند و پاره‌ای از عوالم ماوراء طبیعی را نیز پشت سر گذارد تا به ذات حق واصل شود و میان او و حق حجابی نباشد.

سیر بالحق فی الحق. در این مرحله پس از آن که سالک ذات حق را از نزدیک شناخت به کمک خود او به سیر در شئون و کمالات و اسماء و صفات او می‌پردازد.

سیر من الحق الی الخلق بالحق. در این سیر سالک به میان مردم بازمی‌گردد اما بازگشتش به معنای جدا شدن و دور شدن از ذات حق نیست، ذات حق را با همه چیز و در همه چیز می‌بیند.

سیر فی الخلق بالحق. در این سیر سالک به ارشاد و هدایت و دستگیری مردم و رساندن آنها به حق می‌پردازد.

صدرا المتألهین مسائل فلسفه را به اعتبار این که فکر نوعی سلوک ذهنی است به چهار دسته تقسیم کرده است و کتاب الحکمه المتعالیه فی الاسفار

عصر کنونی فراهم آورده است. از همین رو است که ایشان به عنوان قهرمان اسفار اربعه نام‌بردار شده است.

فلسفه متعالیه که امام خمینی پیرو، شارح، مدرس و مفسر آن است، جامع چهار جریان فکری جهان اسلام است^۱ که عبارتند از: ۱) روش فلسفی مشایی که بر استدلال و برهان عقلی تکیه دارد. ۲) روش فلسفی اشراقی که بر استدلال و برهان عقلی و مجاهده و تصفیه نفس تکیه و تأکید می‌کند و به کشف حقیقت فکر می‌کند. ۳) روش سلوکی عرفانی که در آن رسیدن به حقیقت مهم است. ۴) روش استدلالی کلامی متکلمین که در آن تکیه بر استدلال عقلی است.

این چهار جریان در جهان اسلام در یک نقطه یعنی حکمت متعالیه به هم رسیدند که به وسیله صدرالدین شیرازی مشهور به صدر المتألهین و ملاصدرا بنیان گذاری شد. به باور استاد مطهری، این مکتب به لحاظ روش اشراقی است؛ یعنی به استدلال و کشف و شهود معتقد است اما از نظر اصول و استنتاجات متفاوت است. در مکتب صدرا بسیاری از مسائل مورد اختلاف مشاء و اشراق و یا مورد اختلاف فلسفه و عرفان و یا مورد اختلاف فلسفه و کلام حل شده است. ملاصدرا با مباحث فلسفی که

شریف لک‌زایی

عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

می‌توان گفت که بحث از شخصیت و اندیشه امام خمینی بدون اشاره به پشتوانه‌های فلسفی آن، بحث و بررسی ناقصی است. از آنجایی که نگاه فلسفی، ژرف‌بخش و انسجام‌دهنده هر دیدگاهی است لذا برای شناخت اندیشه‌های امام خمینی هم باید حتماً به این مهم توجه داشت. پژوهشگران اندیشه امام خمینی، حکمت متعالیه صدرایی را شالوده نظری اندیشه ایشان دانسته‌اند. با این حال پرسش اساسی این است که چگونه امام خمینی توانست چنین پشتوانه‌ای را که به مدت چندین قرن منحصر به کتاب‌ها و کنج عزلت بحث‌های فلسفی بود، به عرصه زندگی امروز درآورد و به واسطه آن انقلاب اسلامی را راهبری کند و در پی آن نظام جمهوری اسلامی را پایه گذاری نماید؟ می‌توان گفت حکمت متعالیه انسجام ویژه‌ای به اندیشه امام خمینی بخشیده و از سوی دیگر شالوده‌ای برای مواجهه ایشان با مسائل، چالش‌ها و پرسش‌های